

از افغانی گشتند از سبب بر سارت و دوات راسه ساعت در آنجا  
 نشاندند و بعد از آن بیرون آردند و چون هوای بیرون مروی  
 از گند و جوی عظیم تو اید شد و فریاد خواهد کرد که مرا بقتور باز برید  
 می باید که ویرا بقتور باز برید و اگر نه بپاک تو اید شد چون بی  
 اطبا گفته بودند که در دند و از سبب بیرون آوردند چنانکه گاو بپاک  
 کند فریاد می کرد که مرا بقتور باز برید زمان **علامان می ترس**  
 کردند و ویرا بقتور باز بریدند فریاد می کرد که سده و ایلهای که از ترس  
 می بیرون آید بود بطریقید و بدین می چون انگشت سیاه شد  
 چون بیرون آوردند بی الحال بود و تقاضای عقوبات **فخالصان**  
 از آن پیشتر است که به تقریر زبان و تحریر بیان استیغای  
 آن توان نمود چه ظاهر است که در هر روز کاری و در هر دیاری  
 جندان و بیان و کمال موجود حال **ارباب علم و زور و اصحاب**  
 فسق و فجور که از سنت بیوی و شرف مصطفی تجاوز کرده اند  
 میکرد و مشاهد خواص معوام می افتد که از شرح و بیان مستعی  
 بلیک هر کس را که باطن بنور ایمان منور شده باشد از **بلا حظ**

بصورت تمام بیان اوقات طاعات و زمان بهائرت  
 خود خالقان درمی یابند به طاعات همه ذوق حضور و محاکمات  
 حسن افعال است و نزهت معاصی همه کورت و غلبت و در بیان  
 و قیام افعال است **و قیام افعال است**  
 و تقاضای الله و سبب المسلمین لارکات الطاعات المفضی  
 و جنبان افعال است **و جنبان افعال است**  
 غیر موقنی و همین نیست آخر آنچه مفضل ضرر و مله صواب از فوق برود  
 و در طی این کتاب امید است که چون مطالعه کنندگان **مضمون**  
 مطلع شوند و از ادراک معانی آن منقطع گردند باعث **مفیدی**  
 حسیع و تالیف را بدعای خیر و مرمت یاد کنند و با سندهای متصل  
 و کمرت اعداد **کتاب**

**الهدی** و اشکریاد اطلال که وصف نامی گفت این مقال  
 من تمام تمام آن دست داد که نموده به تاریخ سال  
 بایان سرور اینها که زیافت طور بنوت کمال  
 الف که کس شافت فروغ دهی جز بیان صحبت ال